

● سه الف (ایران، اسلام، اسماعیلیه)

● نویسنده: عباس پارس و

● انتشارات قوانین، ۱۳۸۴

● قیمت ۵۵۰۰ تومان

● شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

۵۴۲

کتاب سه الف (ایران، اسلام، اسماعیلیه) حقایقی بدور از تحریف و تغلیط تاریخ، نتیجه چندین سال تحقیق و کاوش نسبت به باز یافته‌هایی است که به استناد معتبر تاریخ درباره اسلام‌پذیری آغازین و تشیع‌گرایی ایرانیان در صدر اسلام و ادامه آن، برای دوستداران واقع‌نگر و حقیقت‌جوی تاریخ، برای اولین بار مطرح می‌شود.

این کتاب دارای چهار بخش و در مجموع دارای ۲۱ فصل همراه با دیباچه‌ای از سیدحسین میردامادی است.

بخش نخست با عنوان «عربستان» در دو فصل، دوران جاهلیت اعراب و اعتقادات دینی ایرانیان پیش از اسلام را مورد بررسی قرار داده است.

بخش دوم شامل سه فصل زیر است: شعوبیه، خردگرایی ایرانیان (معتزله) و تشیع.

بخش سوم که به شیعه اسماعیلیه اختصاص یافته است، هشت فصل زیر را شامل می‌شود: اسماعیلیه و تاریخ، تحول در تشیع، خلفای فاطمی، ادامه امامت امامان اسماعیلیه (نزاری) در ایران، پیش و دیدگاه فلسفی شیعه اسماعیلیه، دیدگاه اعتقادی شیعه اسماعیلیه، انجمن اخوان الصفا و خوان الوفا، قرامطه.

بخش چهارم با عنوان «کنش‌های عقیدتی اندیشمندان و آزاداندیشان» در هشت فصل اندیشه‌های رودکی، ناصر خسرو، ابن سینا، فردوسی توسی، حسن صباح، حکیم عمر خیام،

حافظ شیراز و خواجه نصیرالدین توسی را مورد توجه قرار داده است.

کتاب سه الف از معدود کتاب‌های تالیفی درباره تاریخ و عقاید اسماعیلیه است؛ مطالعات و پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته و البته بسیاری از آنها در قالب ترجمه بوده است. در این کتاب خرد دوستی ایرانیان و شیعیان ایرانی بعد از ورود اسلام به ایران و نقش سازنده شیعیان اسماعیلی ایران در پاسداری اسلامی و آموزه‌های دین اسلام در قرن‌های متبادی بویژه دوران خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس مورد توجه قرار گرفته است. مرور قسمت‌هایی از پیشگفتار کتاب در زمینه معرفی آن بیشتر راهگشا خواهد بود:

هدف از «تاریخ» چیست؟ اگر این گفته را پذیرا باشیم که «آگاهی از گذشته می‌تواند پیش‌آگاهی از آینده باشد» باید بگوئیم که تاریخ هر ملتی باید آینه تمام‌نما و دورنمای واقعی گذشته آن ملت باشد تا ضمن امکان شناخت هویت و ریشه و تبار، جامعه بتواند عبرت‌گیرانه با کسب تجربیات تلخ و شیرین گذشته خود، آن را فرا راه آینده خویش قرار دهد.

مطالعه در تاریخ گذشته ایران و اسلام ایجاب می‌کند که خواننده «تاریخ» پیش از آغاز مطالعه و رفتن به سراغ ماجرا، باید توجه داشته باشد چه کسی شرح ما وقعه را شرح داده است. شرح حال، موقعیت و شرایط محیطی و زمانی او را بداند؛ چرا که فرهنگ مذهبی و دینی بعد از اسلام، تمام شئون اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و علمی جوامع تحت نفوذ خود را نه تنها تحت الشعاع قرار داده بلکه با قدرت و حاکمیت مطلق، به صورت پشتوانه همراه بوده است. با اینکه مفهوم تاریخ، شرح ما وقعه است اما بهره‌گیری آن برای حال و زمان آینده است که در آن زیور و آلاشی نباشد و از سلايق و عقاید و اندیشه‌های خصوصی درون مورخ بدور باشد، در حالی که متأسفانه در تاریخ گذشته ما چنین نبوده است. کاش یک مورخ خود را تنها یک دبیر نگارش از شرح ماجرا می‌دانست و عاری بود از دخل و تصرف و تفسیر و حاشیه‌نویسی بر وقایع اتفاقیه. خود را خالق آنچه می‌نوشت به حساب نمی‌آورد. اصالت تاریخ، صداقت و بی‌آلاشی آن است و گر نه همان کتاب، رمان و داستان است که سرشار از خلاقیت‌ها و قهرمان‌پروری‌ها و هیجانانگ است.

کتابی که ملاحظه خواهید کرد دستاوردی است که بیش از پنج سال زمان برده است. در صرف زمان زیادی در این مقوله، شاید ناشی‌گری و کم‌تجربگی نگارنده دخیل بوده است. اما آنچه به نظر خوانندگان می‌رسد، نتایج درک و استنباط از مفاهیم آثار ضد و نقیض بزرگان و مورخین گذشته است که با برداشت صادقانه، محققانه و بی‌طرفانه با کمی دلسوزانه بر روی کاغذ منعکس شده است. برای نوشتن این کتاب، کتاب‌های زیادی مطالعه گردیده و از کتابخانه‌های: «مرکزی دانشگاه ملی (شهید بهشتی)»، «حسینیہ ارشاد»، «دانشگاه تهران»، «دانشگاه آزاد اسلامی

کرمان»، «مجلس شورای اسلامی»، «کتابخانه ملی ایران»، کتابخانه خصوصی و دوستان استفاده شده است. موضوع این کتاب، مظلومیت مردم ایران به طور اعم، فشار و خفقان علیه مکتب شیعه اسماعیلیه به طور اخص است که طی شش قرن، دوران خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس را تحمل کردند و پس از قرن دهم هجری، شیعه اسماعیلیه از همجواری و همکیشی و هم‌مراهمیان خود یعنی شیعه اثناعشریه که تصدی سیاست را عهده‌دار شدند و نزدیک‌ترین اعتقاد اسلامی را با یکدیگر دارند، متوقع حسن نیت بیشتری بوده و هستند.

بر هیچ محقق و مورخ و دست‌آوردان تاریخ، پوشیده نیست که چگونه مکتبی با وسعت بینش و فلسفه خردمندانه طرفدارانش که شش یا هفت سده اول اسلام و ایران را به لحاظ تحول و تفوق علمیت بخشیدند و گشایش فلسفه و منطق را در راستای اعتقادات اسلامی از یک طرف، آزاداندیشی و استقلال‌طلبی ایران مسخر شده حکومت‌های بیگانه را، از طرف دیگر، جامعه ایران و اسلام را تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های خردمندانه خود قرار داده و جنبش‌ها و قیام‌های آزادیخواه را در جامعه ایران زنده و پویا نگهداشتند. همین عوامل موجب بوده است تا در سر تا سر تاریخ گذشته، بیشترین دشمنان را علیه خود برانگیزند. آنها در راه ایمان و اعتقادات خود در مقابل ظلم و ستم‌ها و بی‌عدالتی‌ها ایستادگی کرده و جان‌های زیادی را در تاریخ گذشته فدا کرده‌اند. دشمنان اسماعیلیه، قدرتمندان و زورگویان زمانه بودند که از همه امکانات خود برای خفه کردن فریادهای آزاداندیشی و آزادیخواهی آنها استفاده کرده و در انزوای تاریخ قرارشان دادند. خفقان و فشارهای سرکوب‌گرانه در طول تاریخ اسلامی علیه اسماعیلیه به حدی بوده است که منابع و مواخذ درباره ریشه‌های فکری و اعتقادی و اندیشه‌های حقیقی آنها، به صورت تحریف و یا وارونه جلوه دادن از طریق روایات و نقل قول‌های ساخته شده توسط مورخین متعصب و وابسته، ثبت تاریخ شود و مورخین سده‌های بعد بالاجبار و به علت عدم منابع موثق، از آن اطلاعات تحریف شده، تغذیه مطلب نمایند. ابن خلدون در دیباچه کتاب خود می‌نویسد: «... و مورخان بزرگ اسلام به طور جامع اخبار روزگار گذشته را گرد آورده و آنها را در صفحات تاریخ نگاشته و به یادگار گذاشته‌اند ولی ریزه خواران، آن اخبار را به نیرنگ‌های باطل در آمیخته و در مورد آنها یا دچار توهم شده یا به جعل پرداخته‌اند و روایات زراندود ضعیفی تلفیق کرده و ساخته‌اند، و بسیاری از آیندگان، ایشان را پیروی کرده و همچنان که آن اخبار را شنیده‌اند برای ما بجای گذاشته‌اند، بی‌آنکه به موجبات و علل وقایع و احوال درنگرند و اخبار یاوه و توهات را فرو گذارند.»